

کتاب دانیال — شماره هفتاد و یک

بافت نبوی: حزقی ایل باب آٹھ کی چار مکروہات اور اُن کی جدید دور میں معنویت کا انکشاف

Jeff Pippenger

2024-02-04

چهار مکروہ فصل هشتم حزقیال، نماینده چهار نسل اسرائیل مدرن است، و آغاز اسرائیل مدرن به وسیله آغاز اسرائیل باستانی نمونه وار گردیده بود. هر دوی آن تاریخ های آغازین، بر پایان اسرائیل مدرن در قانون یکشنبه ای که به زودی خواهد آمد شهادت می دهند. دو آغاز اسرائیل، هم باستانی تحت اللفظی و هم مدرن روحانی، به وسیله تاریخ آغازین پادشاهی شمالی اسرائیل هنگامی که از یهودا جدا شد، مورد شهادت قرار می گیرند.

भवषियवाणी उस, थे नकिले से मसिर अभी-अभी वे तब, की स्थापना की बछड़े के सोने ने इस्राएल प्राचीन जब प्रथम के राज्य उत्तरी के इस्राएल बनाएगा। राज्य एक उन्हें परमेश्वर कथी करती प्रकट यह जो में पूर्त की मसिर लिए के बचने से क्रोध के सुलैमान यारोबआम है। सम्मलिति वशिषताएँ वही में कथा की, यारोबआम, राजा बारह उसे कथी गई दी प्रतजिजा भवषियसूचक यह उसे द्वारा के अहयियाह भवषियद्वक्ता था। गया भाग सुलैमान और अपने यारोबआम, पहले से होने पूर्ण के भवषियवाणी इस जाएगा। बनाया राजा पर दस से में गोत्रों जाएगा। भाग मसिर, तक मृत्यु की सुलैमान, लिए के रखने दूरी बीच के

و در آن زمان واقع شد که چون یربعام از اورشلیم بیرون می رفت، اخیای شیلونی نبی او را در راه یافت؛ و او خویشان را به جامه ای نو پوشانیده بود؛ و آن دو در صحرا تنها بودند. و اخیای آن جامه نوئی را که بر او بود گرفت و آن را به دوازده پاره درید. و به یربعام گفت: «برای خود ده پاره برگیر، زیرا خداوند، خدای اسرائیل، چنین می فرماید: اینک من پادشاهی را از دست سلیمان خواهم درید و ده سبط را به تو خواهم داد. (اما به خاطر بندهام داود و به خاطر اورشلیم، شهری که از میان همه اسباط اسرائیل برگزیده ام، یک سبط برای او خواهد بود.) زیرا ایشان مرا ترک کرده اند و عشتروت، الهه صیدونیان، و کموش، خدای موآبیان، و ملکوم، خدای بنی عمون را پرستش کرده اند، و در راه های من سلوک ننموده اند تا آنچه را در نظر من راست است به جا آورند و فرایض و احکام مرا نگاه دارند، چنان که داود، پدر او، نگاه داشت. لیکن تمامی پادشاهی را از دست او خواهم گرفت، بلکه او را در تمامی روزهای عمرش، به خاطر بندهام داود که او را برگزیدم، و از آن رو که او اوامر و فرایض مرا نگاه داشت، امیر خواهم ساخت. اما پادشاهی را از دست پسرش خواهم گرفت و آن را، یعنی ده سبط، به تو خواهم داد. و به پسر او یک سبط خواهم داد، تا داود، بندهام، همواره پیش روی من در اورشلیم، شهری که برای نهادن نام خود در آن برای خویش برگزیده ام، چراغی داشته باشد.»

اور میں تجھے لے لوں گا، اور تُو اپنی جان کی تمام خواہش کے مطابق سلطنت کرے گا، اور اسرائیل پر بادشاہ ہوگا۔ اور ایسا ہوگا کہ اگر تُو ان سب باتوں کو سنے جن کا میں تجھے حکم دیتا ہوں، اور میری راہوں پر چلے، اور وہی کرے جو میری نگاہ میں درست ہے، تاکہ میرے آئین اور میرے احکام کو مانے، جیسا میرے بندے داؤد نے کیا، تو میں تیرے ساتھ ہوں گا، اور تیرے لیے ایک قائم گھر بناؤں گا، جیسا میں نے داؤد کے لیے بنایا، اور اسرائیل تجھے دے دوں گا۔ اور اس سبب سے میں داؤد کی نسل کو دکھ دوں گا، لیکن ہمیشہ کے لیے نہیں۔ پس سلیمان یربعام کو قتل کرنا چاہتا تھا۔ اور یربعام اٹھا اور مصر کو بھاگ گیا، شیشق شاہ مصر کے پاس، اور سلیمان کی موت تک مصر میں رہا۔ اور سلیمان کے باقی کام، اور جو کچھ اُس نے کیا، اور اُس کی حکمت، کیا وہ سلیمان کے حالات کی کتاب میں لکھے نہیں ہیں؟ اور وہ مدت جس میں سلیمان نے یروشلم میں تمام اسرائیل پر

سلطنت کی، چالیس برس تھی۔ پھر سلیمان اپنے باپ دادا کے ساتھ سو گیا، اور اپنے باپ داؤد کے شہر میں دفن کیا گیا؛ اور اُس کا بیٹا رحبعام اُس کی جگہ بادشاہ ہوا۔ 1 سلاطین 11:28-43۔

با مرگِ شاہ سلیمان، مقرر بود کہ پادشاهی تقسیم شود و یربعام بر ده سبطِ شمالی پادشاہ گردد، و رحبعام، پسر سلیمان، در اورشلیم پادشاہ باشد۔ پیش از آن کہ تقسیم اسباط روی دهد، یربعام می‌بایست از مصر بیرون آید۔

وَذَهَبَ رَحْبَعَامُ إِلَى شَكِيمَ، لَأَنَّ جَمِيعَ إِسْرَائِيلَ جَاءُوا إِلَى شَكِيمَ لِيَمْلِكُوهُ. وَحَدَّثَ لَمَّا سَمِعَ يَرْبَعَامُ بَنَ نَبَاتٍ، وَهُوَ بَعْدَ فِي مِصْرَ، بِذَلِكَ، لَأَنَّهُ كَانَ قَدْ هَرَبَ مِنْ وَجْهِ الْمَلِكِ سَلِيمَانَ، وَأَقَامَ يَرْبَعَامُ فِي مِصْرَ، أَنَّهُمْ أَرْسَلُوا قَدْعُوهُ. فَجَاءَ يَرْبَعَامُ وَكُلَّ جَمَاعَةِ إِسْرَائِيلَ، وَكَلَّمُوا رَحْبَعَامَ قَائِلِينَ: إِنَّ أَبَاكَ قَسَى نَبْرَتًا، وَالْآنَ فَخَفِّفْ أُنْتَ مِنْ خِدْمَةِ أَبِيكَ الْقَاسِيَةِ، وَمِنْ نِيرِ الثَّقِيلِ الَّذِي جَعَلَهُ عَلَيْنَا، فَتَخْدِمَكَ. فَقَالَ لَهُمْ: أَذْهَبُوا إِلَيَّ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ، ثُمَّ أَرْجِعُوا إِلَيَّ. فَذَهَبَ الشَّعْبُ. 1 ملوك 12:1-5.

داستانِ این که رُبعام در طی آن سه روز چگونه به طرزی احمقانه عمل کرد، تقصیر را بر ردّ ناخردانه او نسبت به مشورت پیران می‌نهد؛ اما جدایی اسباط از پیش نبوت شده بود، پس به هر حال به گونه‌ای یا گونه‌ای دیگر رخ می‌داد. در اینجا شایسته توجه برای مقاله‌ای در آینده است که فرایند جدایی به طور مشخص به عنوان سه روز شناسانده شده بود. آن دو پادشاهی در خلال تاریخ میلری‌ها بار دیگر یک پادشاهی می‌شوند، و هنگامی که قبایل شمالی و جنوبی در تاریخ میلری‌ها، یعنی در آن دوره زمانی ظهور سه فرشته مکاشفه پاب چهارده، یک پادشاهی می‌شوند. آن سه فرشته در تاریخ میلری‌ها به وسیله آن سه روز تصمیم رُبعام نمونه‌وار گردیدند. آن چهل و شش سال، هنگامی که سه فرشته از 1798 تا 1844 ظاهر شدند، همچنین همان سه روز نمادین بودند که مسیح در یوحنا باب دو فرموده بود برای او لازم خواهد بود تا هیکلی ویران شده را برخیزاند؛ اما آن بخش از این مطالعه برای مقاله‌ای در آینده است.

هنگامی که رُبعام در پایان سه روز آن حکم ابلهانه را صادر کرد، پادشاهی‌ها تقسیم شدند.

پس چون تمامی اسرائیل دیدند که پادشاہ به ایشان گوش فرا نداد، قوم در پاسخ به پادشاہ گفتند: «ما را در داود چه نصیبی است؟ و در پسر یسی هیچ میراثی نداریم. ای اسرائیل، به خیمه‌های خود بازگردید؛ و تو نیز اکنون به خانه خود بپرداز، ای داود.» پس اسرائیل به خیمه‌های خود رفت. اما بنی اسرائیلی که در شهرهای یهودا ساکن بودند، رُبعام بر ایشان پادشاهی کرد. آنگاه پادشاہ رُبعام آدورام را، که بر خراج گمارده شده بود، فرستاد؛ و تمامی اسرائیل او را سنگسار کردند، به طوری که مرد. از این رو پادشاہ رُبعام شتاب کرد تا بر ارا به خود سوار شود و به اورشلیم بگریزد. بدین سان اسرائیل تا به امروز بر خاندان داود عصیان ورزیده است. و چون تمامی اسرائیل شنیدند که یربعام بازگشته است، فرستادند و او را به جماعت فراخواندند و او را بر تمامی اسرائیل پادشاہ ساختند؛ و هیچ کس از خاندان داود پیروی نکرد، جز سبط یهودا فقط. اول پادشاہان 12:16-20.

پیش‌گویی اینکه به یربعام پادشاهی‌ای داده خواهد شد، تحقق یافته بود، و این تحقق در زمانی روی داد که او از مصر بیرون آمده بود. یربعام، از آن رو که غیرت می‌ورزید نسبت به اینکه مقدس خدا در شهر اورشلیم بود، شهری که خدا برگزیده بود تا نام خود را در آن بگذارد، در پی آن برآمد که برای مقدس، کهنات و خدمت عبادتی‌ای که مقرر شده بود تنها در اورشلیم انجام پذیرد، نمونه‌ای بدلی برپا سازد. کار یربعام در برپا کردن نظامی جعلی از عبادت در میان ده سبط شمالی، همتایی مستقیم با عصیان هارون و گوساله زین است، و از این رو شاهدهی دیگر فراهم می‌آورد، نه تنها بر قانون یکشنبه که به زودی خواهد آمد، بلکه نیز بر عصیان ۱۸۶۳.

و یربعام در دل خود گفت: اکنون پادشاهی به خاندان داوود باز خواهد گشت. اگر این قوم برای گزاردن قربانی در خانه خداوند در اورشلیم بروند، آنگاه دل این قوم بار دیگر به سوی آقای خود، یعنی رحبعام پادشاه یهودا، باز خواهد گشت؛ و مرا خواهند کشت و نزد رحبعام پادشاه یهودا بازخواهند گشت. پس پادشاه مشورت کرد و دو گوساله زرین ساخت و به ایشان گفت: برای شما بسیار است که به اورشلیم بروید؛ اینک، ای اسرائیل، خدایان تو که تو را از سرزمین مصر بیرون آوردند. و یکی را در بیتئیل نهاد و دیگری را در دان گذاشت. و این امر گناه گردید؛ زیرا قوم برای پرستش در برابر یکی، تا دان، می‌رفتند. و او خانه‌ای از مکان‌های بلند ساخت و از فروترین طبقات قوم، که از پسران لاوی نبودند، کاهنان برگماشت. و یربعام در ماه هشتم، در روز پانزدهم ماه، عیدی مانند آن عید که در یهودا بود، مقرر داشت و بر مذبح قربانی گذرانید. همچنین در بیتئیل چنین کرد و برای گوساله‌هایی که ساخته بود قربانی گذرانید؛ و کاهنان مکان‌های بلند را که ساخته بود در بیتئیل منصوب کرد. پس در روز پانزدهم ماه هشتم، یعنی در ماهی که از دل خود ابداع کرده بود، بر مذبحی که در بیتئیل ساخته بود قربانی گذرانید؛ و برای بنی‌اسرائیل عیدی مقرر داشت؛ و بر مذبح قربانی گذرانید و بخور سوزانید. اول پادشاهان ۱۲:۲۶-۳۳.

شورش یربعام خطّ دیگری از حقیقت را فراهم می‌آورد تا بر شورش هارون، شورش شاخ پروتستان در سال 1863، و شورش شاخ جمهوری‌خواه در قانون یکشنبه‌ای که په‌زودی فرا می‌رسد، منطبق گردد؛ و بدین‌وسیله، شهادت نبوی را بسط می‌دهد. در شورش گوساله زرین هارون، خداوند روش مقرر برگزیدن کھانت را تغییر داد.

پیش از شورش، نخست‌زاده هر سبط می‌بایست جزئی از کھانت گردد. اما در شورش گوساله زرین هارون، تنها سبط لاوی بود که با موسی ایستاد. از این‌رو، خدا روش مقرر تأمین مردان برای کھانت را تغییر داد، و از آن زمان به بعد، تنها خاندان لاوی بود که کھانت را تشکیل می‌داد.

اور جب موسی نے دیکھا کہ لوگ ننگے ہو گئے ہیں؛ (کیونکہ ہارون نے انہیں اُن کے دشمنوں کے سامنے اُن کی رسوائی کے لیے ننگا کر دیا تھا) تب موسی لشکرگاہ کے دروازے پر کھڑا ہوا، اور کہا، جو خداوند کی طرف سے وہ میرے پاس آجائے۔ اور لاوی کے سب بیٹے اُس کے پاس جمع ہو گئے۔ اور اُس نے اُن سے کہا، خداوند اسرائیل کا خدا یوں فرماتا ہے، ہر شخص اپنی تلوار اپنی ران کے ساتھ باندھے، اور لشکرگاہ میں ایک دروازے سے دوسرے دروازے تک آتے جاتے پھرو، اور ہر شخص اپنے بھائی کو، اور ہر شخص اپنے ساتھی کو، اور ہر شخص اپنے پڑوسی کو قتل کرے۔ اور بنی لاوی نے موسی کے کہنے کے مطابق کیا؛ اور اُس دن لوگوں میں سے قریب تین ہزار آدمی مارے گئے۔ خروج 25:32-28.

یربعام آن کاری را که خدا در شورش هارون به انجام رسانده بود، جعل کرد؛ آنگاه که خدا کھانتی نو از سبط لاوی برپا داشته بود، زیرا یربعام «از ادنای قوم کاهنانی ساخت که از پسران لاوی نبودند.» آن شورش در آغاز پادشاهی ده سبط شمالی، با شورش هارون و ابلهان رقصان موازات دارد. این شورش پس از خروج از مصر رخ داد، در تحقق نبوتی که وعده می‌داد پادشاهی‌ای برقرار خواهد شد. در هر دو مورد، کھانتی جدید برقرار شد که تغییری از نظم پیشین برگزیدن کاهنان بود.

سرکشی گوساله زرین هارون تکرار شد، اما به‌وسیله یربعام دوچندان گردید، زیرا او دو گوساله زرین ساخت و آن‌ها را در دو شهر قرار داد. شهر دان نمایانگر سیاست حکومتی است، زیرا «دان» به معنای «داوری کردن» است؛ و شهر بیتئیل نمایانگر سیاست کلیسایی است، زیرا «بیتئیل» به معنای «خانه خدا» است. گوساله‌های زرین همان نمادپردازی گوساله هارون را در خود داشتند، اما با شهادت افزوده اتحاد کلیسا و دولت، چنان‌که آن دو شهر آن را بازنمایی می‌کردند. گوساله، عالی‌ترین صورت قربانی بت‌پرستانه بود، و از این‌رو نمایانگر قربانی بدلی مسیح است. طلا نمادی از بابل است، و گوساله تصویری از یک وحش بود. همان‌گونه که هارون روزی کاذب برای عبادت مقرر کرد، یربعام نیز عیدی برقرار ساخت، و اطمینان حاصل کرد که تاریخ آن عید با زمان عبادت راستین در اورشلیم موافق

نباشد.

تمام عناصر قانون یکشنبہ کہ بہ زودی خواہد آمد، در شہادتِ تَمَرِدِ یربعام بازنمایی شدہ است: قربانی دروغین (گوسالہ)، مسیح دروغین (مذبح)، تصویر وحش (ترکیب کلیسا و دولت)، روز دروغین عبادت (یکشنبہ)، و کھانتی جعلی.

آغاز اسرائیل باستان، آغاز دہ قبیلہ شمالی بہ عنوان یک پادشاہی، و آغاز ادونتیسیم، ہمگی واجد همان عناصر نبوی اند، و با یکدیگر عناصر نبوی قانون یکشنبہ در شرف وقوع را مشخص می سازند. اسرائیل باستان از بندگی مصر بیرون آمدہ بود؛ یربعام از مصر، جایی کہ برای رھایی از آزار سلیمان بہ آنجا گریختہ بود، بیرون آمد؛ و ادونتیسیم میلری نیز تازہ از بندگی پاپیت بیرون آمدہ بود.

کھانتِ لاوی در ہنگام عصیان ہارون برقرار شد، کھانتِ جعلی فرومایہ ترین مردمان در گواہی یربعام برپا گردید، و ہنگامی کہ خداوند یا ادونتیسیم میلریتی عہد بست، مطابق گفتہ پطرس، میلریتیان «نسل برگزیدہ، کھانتِ ملوکانہ، امتِ مقدس، قومی خاص» بودند، «تا فضایل او را اعلام نمایند کہ شما را از ظلمت بہ نور شگفت انگیز خود فراخواندہ است.» نوری کہ میلریتیان بدان فراخواندہ شدہ بودند، نور جواہراتِ میلر بود کہ بر دو لوح حقوق نمود یافتہ بود؛ همان دو لوحی کہ در تاریخ عصیان ہارون بہ وسیلہ دو لوح دہ فرمان تمثیل شدہ بود. ظلمتی کہ آنان از آن فراخواندہ شدند، اعصار تاریکِ حاکمیتِ پاپی بود کہ بہ وسیلہ تاریکی بندگی مصر تمثیل شدہ بود.

کرسٹ نے جب اُس ہیکل کو، جو بُت پرستی اور پاپائیت دونوں کے پاؤں تلے روندی گئی تھی، دوبارہ قائم کیا، تو اُس نے یہ کام 1798 سے 1844 تک چھیالیس برسوں میں انجام دیا۔ جب اُس نے ہیکل کو قائم کر لیا، تب عہد کے رسول کی حیثیت سے وہ 22 اکتوبر 1844 کو اچانک اپنی ہیکل میں آیا، کیونکہ اُس نے اُس ہیکل کو، جو روندی اور تباہ کر دی گئی تھی، دوبارہ قائم کیا تھا، اور اُس نے اُس کھانت کو بھی پاک کیا تھا جس کی نمائندگی لاوی کے قبیلہ سے ہوتی تھی۔

اما چہ کسی روز آمدن او را تاب می آورد؟ و چہ کسی ہنگامی کہ ظاہر شود، خواہد ایستاد؟ زیرا او ہمچون آتشِ پالائندہ و مانند صابونِ رخت شویان است. و او چون پالائندہ و تصفیہ کنندہ نقرہ خواہد نشست؛ و پسرانِ لاوی را پاک خواہد ساخت و ایشان را چون طلا و نقرہ مصفاً خواہد گردانید، تا ہدیہ ای بہ عدالت برای خداوند بگذرانند. آنگاہ ہدیہ یھودا و اورشلیم نزد خداوند پسندیدہ خواہد بود، چنان کہ در ایامِ قدیم و ہمچون سال ہای پیشین. ملاکی ۲:۳-۴.

بتاریخ 22 اکتوبر 1844 اُتی المسیح بَغْتَةً اِلٰی ہیکلہ، ودخل فی عہدٍ مع شعبِ کان ممثلاً بالکھنوت اللاوی؛ ومع ذلک، بحلول سنة 1863، کانوا قد کرروا تَمَرِدِ ہرون، وانتقل کھنوت المیلریین اِلٰی کھنوت اللاودکیین، کما یمثلہ کھنوت یربعام المؤلف من اسافل الشعب، ومہرچو ہرون الراقصون. غیر اُن شہادۃ تَمَرِدِ یربعام تحمل شہادۃً اوسع عن تَمَرِدِ سنة 1863. فعندما دشَن یربعام نظامہ الکاذب للعبادۃ، اُرسِل نبی من اورشلیم لتوبیخ تَمَرِدِ یربعام، کما تُمثِّلہ قیادۃ الأدفنتیۃ المیلریۃ اِلٰی قبول سبت الوصایا العشر يوم الراحة.

جب آیدونٹ ازم نے تیسرے فرشتے اور مقدس کے نور کو قبول کیا تو وہ اُن پروٹسٹنٹس کے لیے ایک ملامت ٹھہرا جنہوں نے اُس بڑھتی ہوئی روشنی کو رد کر دیا تھا جو مہر کھلنے کے عمل کے ساتھ، جو زمانہ آخر میں 1798 میں شروع ہوا، نمودار ہونا شروع ہوئی تھی۔ جس طرح قدیم اسرائیل اپنی مصری غلامی کے دوران سبت کو بھول گیا تھا، اُسی طرح بیابان میں کلیسیا بھی 1798 کے پہنچنے تک سبت کو بھول چکی تھی۔ عدالت کے وقت کے پیغام کی بڑھتی ہوئی روشنی، جیسے ملیرائیٹس لائے، بالآخر مقدس اور شریعتِ خداوندی تک لے گئی۔

آن نور در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ فرا رسید و نمایانگر توبیخ پرستش کاذب برای کسانی بود که فراخوانده شده بودند تا به طور کامل از تعالیم باطل کاتولیسیسم بیرون آیند. پرستش خورشید نشان اقتدار کاتولیسیسم بر کلیساهایی است که به آغوش او بازگشتند. آن توبیخ در هنگام آغاز نظام کاذب عبادت یربعام به تصویر کشیده شده است.

اور یربعام نے آٹھویں مہینے کی پندرھویں تاریخ کو ایک عید مقرر کی، اُس عید کی مانند جو یہوداہ میں ہوتی تھی، اور وہ مذبح پر چڑھایا کرتا تھا۔ اُس نے بیت ایل میں بھی ایسا ہی کیا، اُن بچھڑوں کے لیے قربانی گزران کر جو اُس نے بنائے تھے؛ اور اُس نے بیت ایل میں اُن اونچے مقاموں کے کابن مقرر کیے جو اُس نے بنائے تھے۔ سو اُس نے اُس مذبح پر جسے اُس نے بیت ایل میں بنایا تھا، آٹھویں مہینے کی پندرھویں تاریخ کو، یعنی اُسی مہینے میں جو اُس نے اپنے دل سے ٹھہرایا تھا، بنی اسرائیل کے لیے عید مقرر کی؛ اور وہ مذبح پر چڑھا اور بخور جلایا۔ اور دیکھو، خدا کا ایک مرد خداوند کے کلام سے یہوداہ سے بیت ایل آیا؛ اور یربعام بخور جلانے کے لیے مذبح کے پاس کھڑا تھا۔ اور اُس نے خداوند کے کلام سے مذبح کے خلاف پکار کر کہا، اے مذبح، اے مذبح، خداوند یوں فرماتا ہے: دیکھ، داؤد کے گھرانے میں ایک فرزند پیدا ہوگا، جس کا نام یوسپاہ ہوگا؛ اور وہ تجھ پر اُن اونچے مقاموں کے کابنوں کو قربان کرے گا جو تجھ پر بخور جلاتے ہیں، اور آدمیوں کی ہڈیاں تجھ پر جلائی جائیں گی۔ اور اُس نے اُسی دن ایک نشان دیا اور کہا، یہ وہ نشان ہے جس کی بابت خداوند نے فرمایا ہے: دیکھ، یہ مذبح پھٹ جائے گا، اور جو راکھ اُس پر ہے وہ بہا دی جائے گی۔ اور یوں ہوا کہ جب بادشاہ یربعام نے اُس مرد خدا کی بات سنی، جس نے بیت ایل کے مذبح کے خلاف پکارا تھا، تو اُس نے مذبح کی طرف سے اپنا ہاتھ بڑھا کر کہا، اسے پکڑ لو۔

وَدست او، کہ بر ضدّ وی دراز کرده بود، خشک شد، به گونه ای که نتوانست آن را دوبارہ به سوی خود بازگرداند۔ مذبح نیز شکافته شد، و خاکسترها از مذبح فرو ریخت، بر حسب آن نشانه ای کہ مرد خدا به کلام خداوند داده بود۔ و پادشاہ در پاسخ به مرد خدا گفت: اکنون روی خداوند، خدای خود را استدعا کن، و برای من دعا نما تا دستم بار دیگر به من بازگردانیدہ شود۔ و مرد خدا از خداوند تمنا کرد، و دست پادشاہ بار دیگر به او بازگردانیدہ شد و مانند پیش از آن گردید۔ و پادشاہ به مرد خدا گفت: با من به خانہ بیا و خود را تازہ دم کن، و من پاداشی به تو خواہم داد۔ و مرد خدا به پادشاہ گفت: اگر نیمی از خانہات را به من بدہی، با تو داخل نخواہم شد، و در این مکان نہ نان خواہم خورد و نہ آب خواہم نوشید؛ زیرا بہ کلام خداوند چنین بہ من فرمان داده شدہ است کہ: نان مخور، و آب منوش، و از همان راہی کہ آمدہ ای باز مگرد۔ پس او از راہی دیگر رفت، و از آن راہی کہ بہ بیت ایل آمدہ بود بازنگشت۔ اول پادشاہان 12:32-13:10۔

ہمراہ بغاوت بچھڑوں زرّیں در شہادتِ ہارون و یربعام، افتتاح واقعی نظام کاذب پرستش کہ یربعام آن را مقرر ساخت نیز در شہادتِ او مندرج است۔ آن افتتاح، تمایز میان عبادتی را کہ می بایست در اورشلیم بہ جا آورده شود و نظام تقلبی یربعام نمایان می سازد۔ از 1798 تا 1844، خداوند قوم خود را از تاریکی حاکمیتِ پاپی بہ نور شگفت انگیز نبوی ای کہ بہ وسیلہٴ سہ فرشتہٴ مکاشفہٴ چہارہ نمایان شدہ است، بیرون آورد۔ کلیساهای پروتستان آن نور را رد کردند و بدین سان در 1844 دختران کاتولیسیزم شدند۔

عبادتِ یربعام، نمونہٴ تمثیلی نظام عبادتِ کاتھولک تھی، اور اُس کی داستان میں اسرائیل کی شمالی مملکت اُس باطل نظام کاتھولکیت کی نمائندگی کرتی ہے جس میں میلراٹ تاریخ کے پروٹسٹنٹ باقی رہنے کا انتخاب کر بیٹھے۔ اُس نظام کی علامت سورج کی پرستش ہے۔

پس آن باکرہ های امین و حکیم کہ در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ بہ قدس الاقداس داخل شدند، توبیخی برای پروتستان هایی را نمایندگی می کردند کہ بہ تازگی بہ نفوذ کاتولیسیسم بازگشتہ بودند و دختران روم شدہ بودند۔ در آغاز گذاری نظام جعلی عبادتِ یربعام، نبی ای از یہودا آمد و یربعام را توبیخ کرد، و

بدین سان نمونہ ای از آن باکرہ های امین بود که به قدس الاقداس داخل شدند و هدایت یافتند تا شریعت خدا را بشناسند۔ سرگذشت آن نبی و توبیخ او نسبت به یربعام، هنگام بررسی شورش ۱۸۶۳، بسیار روشنگر است؛ با این حال، این سرگذشت باید در انتظار بماند تا پایانی همراه با آغازی نهادہ شود۔

آغازهای اسرائیل باستان، پادشاهی یربعام، و اسرائیل معاصر، ہمگی با یکدیگر منطبق اند و با ہم سه شاهد پایان وحش زمینی مکاشفہ سیزده را، در قانون یکشنبہ ای نزدیک الوقوع، فراہم می آورند۔ وفاداران آدونتیسم میلری در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، شاخ حقیقی پروتستان وحش زمینی شدند، و این را در تاریخی به انجام رساندند کہ در زمان آخر در سال ۱۷۹۸ آغاز شدہ بود۔ سال ۱۷۹۸ آغاز پادشاهی ششم نبوت کتاب مقدس، یعنی ایالات متحدہ، و استقرار شاخ حقیقی پروتستان آدونتیسم در ایالات متحدہ بود۔ در آن تاریخ آغازین، تاریخ پایانی ایالات متحدہ به تصویر کشیدہ می شود، زیرا عیسی ہموارہ پایان یک چیز را با آغاز یک چیز به تصویر می کشد۔

سه شاهد آغازین اسرائیل باستان، معاصر، و اسرائیل یربعام، پایان وحش زمین را به تصویر می کشند؛ اما پایان دیگری نیز هست کہ باید پیش از بیان شہادت آن نبی ای کہ از یہودا آمد و یربعام را توبیخ کرد، از پیش مطرح گردد۔ تاریخ پایانی ای کہ باید گنجانده شود، پایان پادشاهی های شمالی و جنوبی اسرائیل است، آن گونه کہ به واسطہ نبی، حزقیال، بازنمایی شدہ است۔

نباید فراموش شود کہ آنچه اکنون در حال تشریح آن ہستیم این است کہ شورش ۱۸۶۳ با نخستین مکروہ باب ہشتم حزقیال مشخص شدہ است، کہ همان تمثال غیرت بود۔ هنگامی کہ بہ پایان پادشاهی های شمالی و جنوبی، آن گونه کہ توسط حزقیال بہ تصویر کشیدہ شدہ اند، بپردازیم، بیش از اندازہ شواہد در اختیار خواهیم داشت تا اثبات کنیم کہ شورش ۱۸۶۳ بہ وسیلہ شورش ہارون و یربعام بہ تصویر کشیدہ شدہ بود، و اینکہ آن آغاز نخستین چہار نسل آدونتیسم لائودیکہ ای را مشخص می کند۔

ما این مطالعہ را در مقالہ بعدی ادامہ خواهیم داد۔

پھر خداوند کا کلام مجھ پر نازل ہوا کہ اے ابن آدم، اپنے لیے ایک لکڑی لے اور اس پر لکھ، یہوداہ کے لیے اور بنی اسرائیل میں سے اس کے ساتھیوں کے لیے؛ پھر ایک اور لکڑی لے اور اس پر لکھ، یوسف کے لیے، یعنی افرائیم کی لکڑی، اور اسرائیل کے تمام گھرانے میں سے اس کے ساتھیوں کے لیے؛ اور انہیں ایک دوسرے کے ساتھ ملا کر ایک ہی لکڑی بنا دے، اور وہ تیرے ہاتھ میں ایک ہو جائیں گی۔ اور جب تیری قوم کے فرزند تجھ سے مخاطب ہو کر کہیں، کیا تو ہم پر ظاہر نہ کرے گا کہ ان سے تیری کیا مراد ہے؟ تو ان سے کہہ، خداوند خدا یوں فرماتا ہے: دیکھ، میں یوسف کی لکڑی کو، جو افرائیم کے ہاتھ میں ہے، اور اسرائیل کے قبیلوں کو جو اس کے رفیق ہیں، لے لوں گا، اور انہیں اس کے ساتھ، یعنی یہوداہ کی لکڑی کے ساتھ، ملا دوں گا، اور انہیں ایک ہی لکڑی بنا دوں گا، اور وہ میرے ہاتھ میں ایک ہو جائیں گی۔ اور وہ لکڑیاں جن پر تو لکھے گا، ان کی آنکھوں کے سامنے تیرے ہاتھ میں رہیں۔ اور ان سے کہہ، خداوند خدا یوں فرماتا ہے: دیکھ، میں بنی اسرائیل کو ان قوموں کے درمیان سے، جہاں جہاں وہ جا پہنچے ہیں، لے آؤں گا، اور ان کو ہر طرف سے جمع کروں گا، اور ان کی اپنی سرزمین میں لے آؤں گا:

اور میں انہیں اُس سرزمین میں، اسرائیل کے پہاڑوں پر، ایک ہی قوم بناؤں گا؛ اور اُن سب پر ایک ہی بادشاہ بادشاہ ہوگا؛ اور وہ پھر کبھی دو قومیں نہ ہوں گی، نہ آئندہ کبھی دو سلطنتوں میں تقسیم کی جائیں گی۔ اور وہ پھر کبھی اپنے بتوں سے، نہ اپنی مکروہ چیزوں سے، نہ اپنی کسی خطا سے اپنے آپ کو ناپاک کرپیں گی؛ بلکہ میں انہیں اُن کے تمام مسکنوں سے، جہاں جہاں انہوں نے گناہ کیا ہے، چھڑا لاؤں گا اور انہیں پاک کروں گا؛ یوں وہ میرے لوگ ہوں گے اور میں اُن کا خدا ہوں

گا۔ اور میرا بندہ داؤد اُن پر بادشاہ ہوگا؛ اور اُن سب کا ایک ہی چرواہا ہوگا؛ اور وہ میرے احکام پر چلیں گے اور میرے آئین کو مانیں گے اور اُن پر عمل کریں گے۔ اور وہ اُس سرزمین میں بسیں گے جو میں نے اپنے بندہ یعقوب کو دی تھی، جہاں تمہارے باپ دادا آباد رہے؛ اور وہ اُس میں بسیں گے، وہ اور اُن کی اولاد، اور اُن کی اولاد کی اولاد، ہمیشہ تک؛ اور میرا بندہ داؤد ہمیشہ تک اُن کا امیر ہوگا۔ اور مزید یہ کہ میں اُن کے ساتھ سلامتی کا عہد باندھوں گا؛ یہ اُن کے ساتھ ابدی عہد ہوگا؛ اور میں اُنہیں قائم کروں گا، اور اُنہیں افزوں کروں گا، اور اپنا مقدس اُن کے درمیان ہمیشہ تک قائم رکھوں گا۔ میرا مسکن بھی اُن کے ساتھ ہوگا؛ ہاں، میں اُن کا خدا ہوں گا اور وہ میرے لوگ ہوں گے۔ اور قومیں جان لیں گی کہ میں ہی خداوند اسرائیل کو مقدس ٹھہراتا ہوں، جب میرا مقدس اُن کے درمیان ہمیشہ تک قائم رہے گا۔ حزقی ایل 15: 37-28۔